

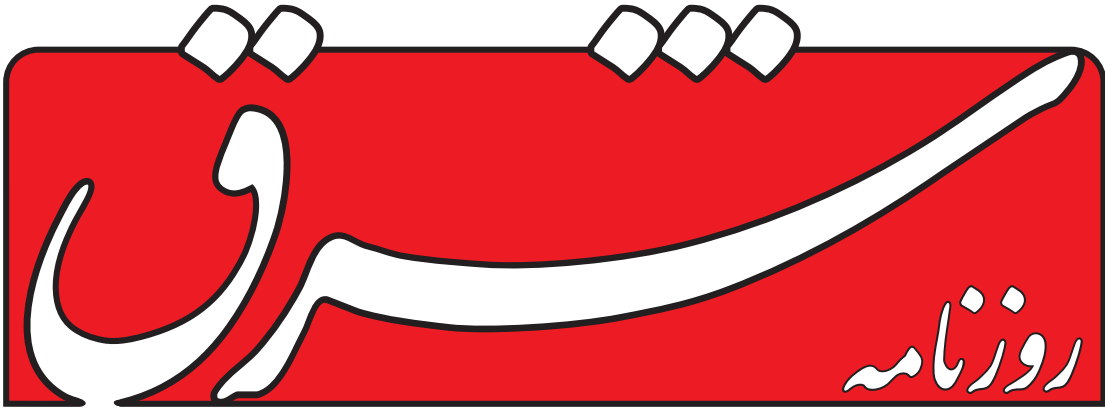
«شرق» از واکنش کشورهای مختلف به یک رفتار اهانت‌آمیز گزارش می‌دهد

محکومیت شدید سوزاندن کتاب آسمانی قرآن

تجمع اعتراضی مقابل سفارت سوئد در تهران

شرق: بسیاری از کشورهای مسلمان از جمله ایران، عراق و عربستان سعودی سوزاندن کتاب مقدس و آسمانی قرآن در سوئد را محکوم کرده و هشدار دادند که این دست اقدامات «موجب برافروختن احساسات مسلمانان در سراسر جهان می‌شود».

صفحه ۳



شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ • ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۱ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۸۹ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان



گفت‌وگو با محمد مهدی عسگریور در مورد حواشی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره شبکه نمایش خانگی

برخی مدیران معتقدند چه بهتر که با دنیا ارتباطی نداریم

شرق: براساس مصوبه اخیر شورای انقلاب فرهنگی، وظیفه نظارت در حوزه سک‌وهای صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه، بر عهده سازمان صداوسیما قرار دارد؛ موضوعی که در چند روز اخیر بحث‌های زیادی درباره حیطه اختیارات سازمان صداوسیما به راه انداخت و هنرمندان....

صفحه ۱۱

در «شرق» امروز می‌خوانید: تداوم اعتراض‌ها در فرانسه در واکنش به کشته‌شدن نوجوان ۱۷ساله؛ آشوب در پاریس، مرگ خودخواسته به مثابه مسئله اجتماعی و یادداشت‌هایی از امیر صدیقی، محمود فاضلی، احمد رضا سازگارنژاد، نوید مجیدی

«شرق» از تداوم رفت‌وآمدها در جغرافیای برجام طی روزهای گذشته و اوج‌گیری دوباره تیت‌های غیر رسمی گزارش می‌دهد

همه‌همه اخبار مبهم

اربرت مالی با لغو مجوز صلاحیت کنار رفت و مذاکرات نیز ظاهراً به خاطر عدم توافق بر سر آزادی زندانیان دوتابعیتی متوقف شده است

گزارش تیت‌یک را در صفحه ۲ بخوانید

سرمقاله

مهندسی معکوس



احمد غلامی

تحلیلگران دولتی بر این باورند که جریان‌های اجتماعی را می‌توان از بیرون کنترل کرد یا به انقیاد درآورد. باوجود این آتان به دولت‌ها توصیه می‌کنند پیش از این کار بهتر است در مسیر حرکت جریان‌های اجتماعی تغییر و انحراف ایجاد کرد. تحلیل‌هایی از این دست مبتنی بر دستکاری و مهندسی جامعه است؛ یعنی باور به اینکه با ابزار لازم و برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی می‌توان جریان‌های اجتماعی را مهندسی کرد. براساس توصیه این تحلیلگران معمولاً دولت‌ها موفق می‌شوند در کوتاه‌مدت جریان‌های اجتماعی را از مسیر خود خارج کرده تا فرصتی برای بهبود اوضاع و شرایط پیدا کنند. حرکت جریان‌های اجتماعی سمپتوم یک بیماری است که به وضعیت بحرانی خودش نزدیک شده است و شاید از نظر تحلیلگران دولتی، بهترین و کم‌هزینه‌ترین تصمیم همین کار باشد. این برخورد، برخوردی کلاسیک با جامعه است که هنوز تحلیلگرانش باور دارند جامعه را جریان‌های متفاوت اجتماعی شکل داده است. اگر جریان‌های اجتماعی را «سیلان‌های اجتماعی» در حال شدن» بدانیم؛ انگاره‌ای که با وضعیت کنونی جامعه ما مطابقت بیشتری دارد، به این باور خواهیم رسید که صیانت از قدرت به شیوه مهندسی جریان‌های اجتماعی حتی برای کوتاه‌مدت موجب خسارت خواهد شد؛ چراکه جریان‌های اجتماعی (سیلان‌ها)، بعد از خروج از مسیر یا پاره‌جریان‌های دیگر سرهم‌بندی می‌شوند. این نوع رویکرد را باید در تقابل و تعارض مارکسیسم و ماشین‌های میل‌گر را شکل می‌دهد که قادرند در مسیر حرکت‌شان ماشین‌های مولد میل‌گر دیگر را شکل بدهند. اگر جریان‌های اجتماعی را ماشین‌بینیم، دیگر کنترل آنها بیرونی نخواهد بود. این نوع رویکرد، رویکرد ژیل دلوز به جامعه و سیاست است؛ رویکردی که استعلایی نیست و به درون‌ماندگاری سیلان‌های اجتماعی در حال شدن باور دارد. این نوع رویکرد را باید در تقابل و تعارض مارکسیسم و ایدئالیسم دید. ایدئالیست‌ها نظامی از ایده‌ها را مطرح می‌کنند که نسبت به حالت مادی چیزها مقدم و متعین‌اند؛ اما نگاه ماتریالیستی در دفاع یا واکنش، این اولویت را واژگون می‌کند که حالت چیزها نسبت به هر انگاره‌ای مقدم یا پیشینی هستند. این درک این تعاریف باید آن را به مارکس ارجاع داد؛ جایی که او می‌گوید: «آگاهی انسان‌ها نیست که هستی‌شان را تعیین می‌کند بلکه هستی اجتماعی‌شان است که آگاهی‌شان را تعیین می‌کند». با مارکس فهم دلوز راحت‌تر است. حالا می‌توانیم نقش ماشین‌های دلوز را که نقشی مادی دارند، بهتر بفهمیم؛ نقشی که از رویکرد هستی‌شناسانه دلوز نشئت گرفته است. دلوز مانند اسپینوزا و نیچه، هستی را تک‌معنا می‌داند. نیچه می‌گوید همه جهان اراده و قدرت است و بس، و اسپینوزا با بیانی دیگر چیزی نزدیک به نیچه را باور دارد: «همه هستی کوشش برای صیانت ذات است»، اما دلوز به ارسطو و لوکرتیوس ارجاع می‌دهد، وقتی از ترمی به اسم «سیلان» نام می‌برد. مایکل هارت این سه نوع جهان‌بینی را این‌گونه صورت‌بندی کرده است: «جهان اراده به قدرت است، هستی کوشش است، و هستی سیلان و شدن است». از دل این آخری است که ماشین‌های میل‌گر بیرون می‌آید؛ چراکه در نگاه دلوز هیچ دیگری نسبت به این جهان و هستی در کار نیست، هستی یا جهان، همه آن چیزی است که هست و هیچ جهان دیگری با قلمرو دیگری ورای این جهان وجود ندارد. دوم اینکه هستی یکتاست؛ هیچ تفاوتی در ماهیت اجزای مختلف هستی وجود ندارد، سوم و مهم‌تر از همه اینکه فاکتور وحدت‌بخش در هر یک از این ادعاهای هستی‌شناختی نه یک چیز بلکه یک جنبش است: «اراده به قدرت، کوشش و سیلان‌ها». پس هستی یک فرایند است. فرایندی از شدن. حالا اگر این فرایند را دنبال کنیم، به خرده‌سیلان‌ها خواهیم رسید که به ماشین‌های مولد میل‌گر تبدیل شده‌اند؛ ماشین‌هایی که بر سر راه خود یا ماشین‌های دیگر چفت‌ویست شده و فرایندی را شکل می‌دهند که دیگر قابل مهندسی نیست. با این نگاه، مهندسی جامعه و سیاست کارکرد معکوسی پیدا خواهد کرد؛ چراکه ایجاد هر انحرافی در مسیر حرکت‌های جامعه به نفع سیلان‌های اجتماعی خواهد بود و موجب راه‌اندازی ماشین‌هایی خواهد شد که تاکنون خاموش مانده بودند. این ماشین‌های میل‌گر تازه مسیرهای ناگشوده‌ای را گشوده که مهندسی آنها اگر نتوانیم نامکن، بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود. دلوز همه چیز را ماشین می‌بیند. این نگاه، مسا را از نگاه خیالی به جریان‌های اجتماعی بازمی‌دارد و نشان می‌دهد جریان‌های اجتماعی سیلان‌های در حال شدن‌اند که مهندسی آنان به‌ویژه به انحراف کشیدن‌شان، مسائل و مشکلات اجتماعی را حل نخواهد کرد؛ چراکه آنان براساس ایده و آرمانی مشترک شکل نگرفته‌اند. این پاره‌سیلان‌ها به شکل ماشین‌های میل‌گر در حال حرکت‌اند و مهم‌تر از همه اینکه آنها مقصدی ندارند.

• برای نوشتن این یادداشت از کتاب «نام‌های تاریخ و نه نام پدر: سیمین‌های ضد ادیب و هزار قلات»، مایکل هارت، ترجمه زهره اکسیری و پیمان غلامی، نشر خاندان نو استفاده شده است.

... اشتیاق مردمی عاشق

«شب‌های بخارا» با پاسداشت مهری باقری و استقبال بی نظیر از استاد شفيعی کدکنی در تبریز برگزار شد



نیما عظیمی: شش‌هفتاد و نهمین شب از «شب‌های بخارا» به بزرگداشت دکتر «مهری باقری» اختصاص داشت. این نشست در ساعت ۱۷ روز شنبه سوم تیرماه ۱۴۰۲ به میزبانی تالار بنیاد پژوهشی شهریار، تبریز برگزار شد و استادان صاحب‌نامی همچون محمدرضا شفيعی کدکنی، رحیم رئیس‌نیا، باقر صدیقی‌نیا، علیرضا مظفری، ناصر علی‌زاده، سجاد آیدلوف، حسین مهرنگ و علی دهباشی در آن حضور یافته و سخنرانی کردند. همچنین پیام تصویری دکتر محمدعلی موحه پخش و رونمایی از جشن‌نامه استاد مهری باقری در مجله بخارا انجام شد.

این‌جانب برای تهیه گزارش‌های مکتوب و جامع، قلم و کاغذ را آماده کردم و بنابراین زودتر و پیش‌تر از آغاز رسمی برنامه، وارد بنیاد شدم. از نیک بختی من بود که به خاطر زودرسیدنم، جناب «علی دهباشی» را ملاقات کردم. دقایقی نگذشته بود که استاد دکتر «سجاد آیدلوف» شاهنامه‌شناس برجسته ارومیه‌ای را -که به گواهی استادان و متخصصان فن، جوان‌ترین شاهنامه‌شناس توانا و شناخته‌شده زمان در نیاست-

یادداشت

چند نکته درباره اکران خصوصی فیلم سینمایی «عروسک» در خانه سینما



سهیل محمودی

در همین آغاز، بگذار از آخر شروع کنم. من با هر اثر هنری که روبه‌رو می‌شوم، اولین چیزی که به ذهن و تخیلم و در اندیشه و ضمیرم ظهور می‌کند، ادبیات است و شعر فارسی. اصلاً ادبیات و شعر یکی از معیارهای مهم است برایم در پذیرفتن و همراهی با یک اثر هنری. ۱- سه‌شنبه پیش که به دعوت رفیق شاعر و تهیه‌کننده و کارگردان سینما، جلیل اکبری‌صحت و با همت انجمن منتقدان فیلم و همت دوستم جعفر گودرزی به تماشای اکران خصوصی فیلم «عروسک» رفته بودم، با پایان فیلم، اولین چیزی که به خاطر آمد مصرعی بود از حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی که: «که این عجوژه عروس هزار داماد است». ماجرای فیلم عروسک و داستان جذاب آن را نمی‌خواهم لو بدهم، فقط همین که دنیا و جذابیت‌های عروسکی دنیا و وسوسه‌هایش همه را به نوعی با شیوه و حیطه‌ای به دنبال خود حرکت می‌کند و اینکه این همه اهالی حکمت و معرفت به عروسکی‌بودن تعلقات پرداخته‌اند، به دلیل یادآوری این جلوه و دلبرانگی تعلقات دنیاوی است. بگذریم....

۲- فیلم را در سالن خانه سینما دیدیم با سخنرانی و صحبت‌های یاران انجمن منتقدان سینما و تجلیل از خانواده و همسر ارجمند هنرمند زنده‌یاد اصغر یوسفی‌نژاد که سال گذشته ناباورانه دنیا را با همه زشتی‌ها و زیبایی‌هایش گذاشت و رفت. وقتی بر صحنه،

به همراه چند نفر از دیگر فرهیختگان ارومیه‌ای، مشاهده کردم. ساعت نزدیک به ۱۶:۳۰ بود که استاد «محمدرضا شفيعی کدکنی» به سالن محل گردهمایی آمدند و من در آن لحظه، معنای حقیقی «شکوه» را به چشم دیدم. آری! «من خود به چشم خویشتم دیدم» شکوه در استقبال را. دیدم شکوه و فره‌مندی در پیشواز را! دیدم ایبت و بزرگی را؛ و دیدم هرآنچه را که در این قاموس نمی‌توانید! چه اینکه سرچشمه این شکوه، «اشتیاق» مردمی عاشق بود؛ مردمی از دیار آذربایجان که عاشق فرهنگ ایران و ستون ستبر آن، زبان و ادب پارسی و هر آن کس که خادم آن است، هستند. باری این شیفتگی و شور تبریزیان از برای ورود «ستاره تابناک زبان و ادب پارسی در روزگار ما» یعنی حضرت استاد شفيعی کدکنی به سالن بود که نقشی ماندگار را رقم زد. استاد دانشمند محمدرضا شفيعی کدکنی، این نگاهبان و دانشمند فرهنگ و زبان ملی ایران نیز با فروتنی تمام هر دست‌هایی که از میان انبوه دلدادگان و شعور حاضران به سویش می‌آمد، به مهر می‌فشرد و هر زبانی که او را می‌ستود، با مهری دوجندان و لیخندی گرم، پاسخی زیبا می‌گفت. چنان‌که این لیخندهای فروتنانه، از ابتدا تا انتهای حضور پرهمر ایشان، لحظه‌ای و ذره‌ای از روی گشاده‌شان کم نشد.

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید

همکاران و دوستانش از ارزش‌های نوشته‌های سینمایی، خلاقیت، کارگردانی و منش انسانی او سخن گفتند، یاد این بیت مرحوم گلشن آزادی افتادم، شاعری که به نوعی استاد مهدی اخوان‌تالت و عماد خراسانی و محمد قهرمان بوده در خراسان دهه بیست:

هر روز زین خراب غم‌آباد می‌روند/ جمعی که هفته دگر از یاد می‌روند

این زندگی حلال‌کسانی که در جهان/ آزاد زیست کرده و آزاد می‌روند روح این نویسنده موفق و هنرمند توانا و خلاق سینما که در آغاز شکوفایی پیر شد، با نیکان و پاکان محشور باد. ۳- با فرزندانتان فیلم را دیدیم. همان چند دقیقه اول بغل گوش هر دو به آرامی گفتیم بین ادبیاتی بودن کارگردان و تهیه‌کننده یعنی همین. گره داستان در همان سراسر آغاز ایجاد شده. حالا تو باید بنشین و تا آخر، تعلیق و شخصیت‌پردازی و حوادث را دنبال کنی. آن هم اثری که کم‌کم دریاقت پنج، شش کات بیشتر ندارد و بدون تدوین است و در یک ساعت و نیم در یک خانه و بیشتر در فضای بسته اتاق‌ها و سالن منزل می‌گذرد. این هنری است در سینمای ما، بعد از فیلم شگفت‌گریه و ماهی شهرام مکرری (همین‌جا بی‌ربط و با ربط حاشیه بروم و بگویم که سینما و سریال‌سازی در این مُلک آسیایی جدی و دردناک دیده از اینکه هنرمندی بزرگ و یگانه؛ امرالله احمدجو، دیگر کار نمی‌کند و فیلم نمی‌سازد. با آن خلاقیت و سکانس‌های طولانی «روزی روزگاری» و عمیق‌تر از آن در «فتنگ سرپر» که با چنین شگفت و شلوغ و پرفت‌وآمد، استادانه سکانس‌های درگیر و اکشن را به تصویر می‌کشید). باری، یوسفی‌پور و صحت، جای خالی موسیقی در فیلم را با موزیک‌های جشن در بخش‌هایی از اثر و نیز محدودیت

اگر عبرت نگیریم می‌شویم درس عبرت

متولیان وزارت نفت مدعی شدند توتال از نصب یک سکوی نفتی انگشت به دهان مانده است

شادمانی برای دستاورد تکراری



شورای عالی امنیت ملی مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌های فوتبال را تصویب کرد

چرا تهران نه، چرا مشهد نه؟

«شرق» از مشکلات آبی و هجوم ریزگردها به سیستان و بلوچستان گزارش می‌دهد

غم به جانِ جانِ ایران

یادداشت

جرایی تردید در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه اتاق ایران



علی شمس اردکانی

این نویسنده سابقه‌ای ۳۰ساله در خدمت عمومی غیرموظف در اتاق بازرگانی (و صنایع و معادن و کشاورزی) ایران دارد. خود به درازا کشاندن اسم اتاق جایزه‌ای در اطناب کلام لازم دارد! در این دیدگاه خدمت پس از یک دوره چهارساله دبیرکلی اتاق شاهد هفت دوره انتخابات هیئت‌نماینده‌ان و در پی آن انتخاب هیئت‌رئیس‌ه‌ها بوده و در آنها مشارکت فعال داشته‌ام. اما در این دوره با نزدیک شدن ورود به دهه نهم عسرم (متولد تیر ۱۳۲۲) تصمیم گرفتم در این دور از انتخابات اتاق (دوره دهم) گوشه عزلت‌گزینم و به هیچ شکلی دخالتی نداشته باشم.

این انتخابات به شایستگی و سلامت، در اسفندماه گذشته، در اتاق تهران و شهرستان‌ها برگزار شد و هیئت‌نماینده‌ان هر اتاق که پارلمان آن به شمار می‌آید، برگزار شد. در پی این انتخابات عمومی هیئت‌رئیس‌ه هر اتاق را نمایندگان آن اتاق برگزیدند. سپس براساس قانون اتاق بازرگانی و آیین‌نامه‌های آن، برگزیدگان اتاق‌ها برای هیئت‌نماینده‌ان اتاق ایران با معرفی ۲۰ نماینده از وزارتخانه‌های اقتصادی تکمیل شد و این هیئت‌نماینده‌ان روز ۱۴۰۲/۳/۲۰ هیئت‌رئیس‌ه اتاق ایران را برای یک دوره چهارساله انتخاب کرد. شگفت اینکه از فردای این انتخاب «بازندگان» که اغلب «بازرگان» تجارت تحریم‌ها هستند، هیاهو برآوردند که نکتات ایمنی در این انتخابات رعایت نشده و باید نتیجه ابطال شود!! باللعجب، شگفتا و دریغاً؟

ادامه در صفحه ۳

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر سیدعباس صالحی

سرپرست محترم مؤسسه اطلاعات

درگذشت خواهر گرانقدرتان را صمیمانه تسلیت

می‌گوییم. از خدای بزرگ برای آن مرحومه علو درجات

و برای شما و سایر بازماندگان محترم صبر و آرامش

خواستاریم.

مهدی رحمانیان، شهاب‌الدین طباطبایی